

ارزیابی کیفیت محیط مسکونی با تاکید بر پایداری شهری (نمونه موردی: محله پیغمبریه قزوین)

الناز صداقت^{۱*}، منوچهر طبیبیان^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، گروه معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. ایمیل:

Elnazsedaqat@gmail.com

۲- استاد تمام، هیات علمی، گروه معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. ایمیل: Matabibian@yahoo.com

چکیده:

یکی از مهم‌ترین مواردی که امروزه در انواع طرح‌های شهری بدان توجه ویژه می‌شود، پایداری در ابعاد مختلف می‌باشد. بدین منظور در سطوح مختلف از منطقه شهری تا حتی یک خیابان، راهبردهایی در ارتباط با ارتقای کیفیت محدوده جهت دستیابی به پایداری ارائه می‌شود. کیفیت یک فضا در شهر از برآیند مولفه‌هایی حاصل می‌شود که با شناسایی تأثیرات هر یک از آن‌ها می‌توان راه‌کارهایی برای بهبود کیفیت محیط شهری ارائه داد. در این راستا و در جهت دستیابی به هدف نهایی پژوهش، معیارهایی برای ارزیابی و ارتقای پایداری محلی با تاکید بر بهبود کیفیت محیط استخراج گردید. سپس زیرمعیارهایی برای هر یک از آن‌ها تعریف و با کمک روش‌های مختلف از جمله هم‌فکری با متخصصین این حوزه و توزیع پرسش‌نامه، اقدام به بررسی و تحلیل نتایج به دست آمده، گردید. در انتها، پس از تعیین میزان کمی هر یک از آن‌ها و انجام اولویت‌بندی به کمک تکنیک AHP، نسبت به ارائه پیشنهاداتی جهت ارتقای پایداری محله مورد مطالعه اقدام گردید، که این پیشنهادها به همراه فرآیند صورت پذیرفته، می‌توانند در اولویت‌بندی اقدامات مسئولان شهری در جهت ارتقای کیفیت محله پیغمبریه کمکی هر چند اندک را به همراه داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: پایداری، بهبود کیفیت محیط، محله، راهبرد.

۱- مقدمه:

در چند دهه اخیر، با تغییرات شگرف در شیوه زندگی و تغییر روش‌های معیشتی مردم و بالطبع آن پیامدهای ناشی از این تغییرات و همچنین عدم حفظ تعادل متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی، ناکارآمدی عملکردی محلات بسیار مشهود شد. بروز بحران‌های مختلف در ابعاد زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهرها مانند فقدان فضای کافی ناشی از افزایش قیمت زمین، تراکم بیش از حد جمعیت و توده‌های ساختمانی، ساختن ساختمان‌های فاقد فضای باز و نور کافی و فقدان مناظر زیبای طبیعت در آن‌ها سبب تنزل کیفیت محله‌های شهری شده و عرصه خصوصی و عمومی زندگی در محلات را با اشکال مواجه نموده است. ضمن این که در این محلات فرهنگ‌های متفاوت و گوناگونی که از نظر ذوق، سلیقه و طرز فکر کمتر سنخیتی با هم داشتند، گرد هم آمده‌اند. در نتیجه خانوارها به دلیل عدم رضایت از مکان مسکونی خود، در مدت کوتاهی آنجا را ترک نموده و به جای دیگری نقل مکان می‌کنند. به همین دلیل محله مفهوم خود را به عنوان یک عامل استمرار بخش هویت اجتماعی از دست می‌دهد و ناپایداری سکونتی در آن بروز می‌نماید. نظریه پردازان شهری همواره به دنبال راهکار رفع ناپایداری‌ها و افزایش تطابق محیط زیست شهری با روند سریع و ناگزیر تغییرات اقتصادی - اجتماعی بوده‌اند. اعتقاد بر این است که جهت دستیابی به توسعه محل‌های پایدار، می‌بایست به طور متعادل از سرمایه‌های فیزیکی، طبیعی، انسانی و اجتماعی، در مقیاس ملموس و قابل دستیابی محله، بهره برد. در این میان با مطرح شدن دیدگاه توسعه پایدار به عنوان دیدگاهی که حل مشکلات